

معاهده‌ی گندمک و خط دوراند (Durand Line)

دکتر عبدالله مراد علی بیگی

دولت انگلستان، با پیاده کردن نیروی نظامی در جنوب ایران، اشغال بندر بوشهر، گلوله باران کردن شهر اهواز (ناصری) و تحمیل قرارداد «پاریس» در سال ۱۸۷۵ میلادی (۱۲۵۴ خورشیدی)، باعث جدایی ایران و افغانستان گردید.

به دنبال جدایی افغانستان، دولت انگلستان قرارداد استعماری بر افغانستان را تحمیل کرد که عبارتند از: معاهده‌ی معروف به «گندمک». در اثر این معاهده، بخش‌هایی از خاک افغانستان به حکومت انگلستان در هند واگذار گردید. اراضی واگذاری از دروازه‌ی تورخم (مرز کنونی افغانستان با پاکستان) تا پل اتک (محل تلاقی رودخانه‌های کابل و سند) را در بر می‌گرفت. افزون بر امتیازهای بازرگانی و انحصار ایجاد خط تلگراف، امتیاز اداره‌ی سیاست خارجی افغانستان را نیز به دست آورد.

در اثر این قرارداد، حکومت افغانستان به امارت «کابل»، «هرات» و «قندهار» تقسیم گردید و هر سه امارت زیر نظر حکومت انگلیسی هند، قرار گرفتند.

خط دوراند (Durand Line)

در سال ۱۸۹۳ میلادی (۱۲۷۲ خورشیدی) «امیر عبدالرحمن خان»، در زیر فشار شدید نظامی و سیاسی دولت انگلستان قرار داد مرزی میان افغانستان و حکومت انگلیسی هند را امضا کرد. بر پایه‌ی قرارداد مزبور، مرزهای افغانستان و هند و سپس افغانستان و پاکستان، شکل گرفت.

خط مرزی مزبور وسیله‌ی مهندسی نظامی انگلستان به سرپرستی «مورتمیر دوراند» (Mortimer Durand) که در آن زمان مسوولیت امنیت خارجی حکومت انگلیسی هند را بر عهده داشت، تعیین گردید. از این رو خط مزبور، به «خط دوراند» (Durand Line) معروف گردیده است. بر پایه‌ی خط «دوراند»، بخش قابل ملاحظه‌ای از مناطق پشتون‌نشین افغانستان، از کشور مزبور منتزع و به مستعمرات انگلستان در هند، منظم گردید.

به دنبال استقلال هند و سپس جدایی پاکستان از هندوستان، قسمت‌های مزبور از سوی دولت انگلیس به کشور پاکستان واگذار گردید. افغانستان، پس از رفع ید غاصب، یعنی ید دولت انگلستان، بر پایه‌ی قوانین و موازین بین‌المللی خواستار آن بوده و هست که باید مناطق تجزیه شده به این کشور باز گردانده شود. بدین سان، اختلاف دیرینه میان حکومت افغانستان و حکومت انگلیسی هند، بدل به اختلاف با حکومت جدید الولاده‌ی پاکستان گردید. حکومت‌های گوناگون افغانستان، هرگز مسأله‌ی پشتونستان را به دست فراموشی نسپردند، به طوری که محمدنادرشاه، سخنان خود را با نام «پشتونستان»، آغاز می‌کرد.

در سال ۱۹۲۹ میلادی (۱۳۲۸ خورشیدی) روابط دو کشور بر سر این مسأله به شدت تیره شد. همین مسأله یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی دوباره تکرار گردید.

در سال‌های ۶۱ - ۱۹۶۰ میلادی (۴۰ - ۱۳۳۹ خورشیدی)، اختلاف‌های دو کشور تشدید شد و در شمال تنگه‌ی خیبر میان نیروهای دو طرف درگیری ایجاد شد. به دنبال این مسأله در ۱۹۶۱، روابط دو کشور قطع شد. سرانجام با میانجی‌گری ایران و نیز برکناری داودخان از مقام نخست‌وزیری، روابط دو کشور بهبود یافت. به دنبال کودتای داودخان، دوباره مسأله‌ی «پشتونستان» حاد شد. داودخان، خواهان ایجاد ایالت خودمختار پشتونستان در پاکستان شد. در تمام دوران حکومت داودخان، مناسبات افغانستان و پاکستان تیره بود.

پس از کودتای کمونیستی در سال ۱۹۷۸، بار دیگر مسأله‌ی پشتونستان در کانون مسایل خارجی افغانستان قرار گرفت. حکومت افغانستان مدعی شد که مرزهای طبیعی افغانستان در کنار رود سند قرار دارد. روابط افغانستان و پاکستان، پس از ورود نیروهای شوروی سابق به کشور مزبور، پیچیده‌تر شد.

«ببرک کارمل»، اعلام کرد که میان افغانستان و پاکستان، مرز بین‌المللی وجود ندارد. «ژنرال نجیب‌الله» نیز طی دیداری از کشور هندوستان در سال ۱۹۸۸ میلادی، اعلام کرد: مسأله‌ی «خط دوراند» باید میان افغانستان و هندوستان حل و فصل شود، زیرا در سال ۱۸۹۳ میلادی، پاکستان وجود نداشت و قرارداد مزبور با هند بسته شده است این موضوع از مهم‌ترین دلایل دخالت آشکار پاکستان در امور داخلی افغانستان و جلوگیری از تشکیل یک دولت نیرومند و فراگیر در آن سرزمین است. زیرا هر دولت برخاسته از دل مردم افغانستان، دست از ادعاهای به حق خود در مورد پشتونستان بر نخواهد داشت. از سوی دیگر حکومت پاکستان کوشیده است، افزون بر ایجاد تفاق قومی در میان مردم افغانستان، آتش نفاق و کینه را میان پشتون‌های دوسوی «خط دوراند»، فروزان نگاه دارد.

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>

